

اسلام آمریکائی یعنی اسلام تشریفاتی، اسلام بی تفاوت در مقابل ظلم، در مقابل زیاده‌خواهی، اسلام بی تفاوت در مقابل دست‌اندازی به حقوق مظلومان، اسلام کمک به زورگویان، اسلام کمک به اقویا، اسلامی که با همه‌ی اینها میسازد. این اسلام را امام نامگذاری کرد: اسلام آمریکائی

مقام معظم رهبری | ۱۳۸۹/۰۳/۱۴



مسلمانان طی ادوار مختلف به برگزاری نماز جمعه به عنوان یک فریضه دینی-سیاسی پرداخته و همواره بر تاثیر آن نسبت به اتحاد و همبستگی مسلمانان تاکید داشته‌اند. در کشورهای مسلمان به ویژه ایران همواره بر برگزاری نماز جمعه به صورتی گسترده اهتمام وجود داشته است. در دوران صفویه، قاجاریه و پهلوی نیز نماز جمعه برگزار می‌گشت اما به اوج رسیدن آن در دوران پس از انقلاب و با پیگیری‌های فراوان امام خمینی (ره) بود. اولین نماز جمعه ایران نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی در دانشگاه تهران و توسط آیت‌الله طالقانی در ۵ مرداد ۱۳۵۸ برگزار گشت و علت تاکید بر برگزاری آن و موضوع اصلی خطبه‌ها، وجود خطر تروریست‌ها و منافقین بود. پس از مدتی و با اقدامات تروریستی صورت گرفته و شهادت شهدای محراب، اهمیت نماز جمعه و خطبه‌های آن و بیان مسائل سیاسی و آگاه‌سازی مردم پیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. با انتصاب مستقیم یا غیرمستقیم ائمه جمعه توسط رهبر انقلاب نیز ائمه در جایگاه مورد احترامی قرار گرفته و توجه بر انتخاب و انتصاب آن‌ها نیز پیش از گذشته گردید. با توجه به حکم موجود در رابطه با برگزاری نماز جمعه، بخشی از خطبه‌ها باید شامل مسائل دینی و بخشی دیگر بیانگر مسائل سیاسی باشد. با توجه به این مسئله و همچنین ماهیت برقراری نماز جمعه که بر اتحاد و انسجام مسلمین و همچنین آگاه‌سازی مردم تمرکز دارد؛ ائمه جمعه در خطبه‌های خویش سعی بر بیان مسائل سیاسی روز و آگاه‌سازی و هوشیار کردن مردم نسبت به خطرات و یا فرصت‌های موجود داشته‌اند. به طور مثال در دوران پیروزی انقلاب و دفاع مقدس و کمی پس از آن، محور خطبه‌ها بر اتحاد مردم در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی به ویژه حضور منافقین و فعالیت‌های تروریستی بوده است و در سال‌های اخیر و با حضور برخی ائمه جمعه‌ی جوان‌تر و آگاه‌تر، صحبت‌ها ناظر بر دغدغه‌های سیاسی روز که بیشتر بر مسائل داخلی تاکید دارند، می‌باشد. همواره از سوی رهبر انقلاب و مردم آگاه جامعه این گوشزد وجود داشته که ائمه جمعه باید از بین افرادی که آگاهی، اطلاعات و دغدغه‌ی کافی دارند و ترجیحاً جوان‌تر هستند انتخاب گردند و از طرفی برنامه‌هایی هر چند اندک برای جذب مردم نسبت به شرکت در نمازهای جمعه وجود داشته است. بیشترین استقبال از نمازهای جمعه در شهرهای مهم یا مذهبی مانند: تهران، مشهد، قم و مساجد جامع دیگر شهرها می‌باشد که تهران با توجه به موقعیت سیاسی و مرکزی که دارد، تربیون رسمی‌تری داشته و بیشتر در رسانه‌ها نمود یافته و اهمیت ویژه‌تری دارد. علاوه بر انتخاب صحیح ائمه جمعه، دغدغه مهم دیگری که متأسفانه در دهه‌های اخیر و برعکس اوایل انقلاب وجود دارد، این است که استقبال مردم نسبت به شرکت در نمازهای جمعه کمتر شده که علل مختلفی همچون: به روز نبودن خطبه‌های نماز جمعه، بیان صحبت‌های تکراری و یا کم اهمیت‌تر، عدم توجه کافی به مسائل سیاسی و تمرکز صرف بر مسائل دینی و فقهی، انتخاب ائمه جمعه‌ی بعضاً نامناسب برای برخی شهرها، دغدغه‌مند نبودن امام جمعه و پیگیری نکردن مشکلات و دغدغه‌های مردم شهر و برخی مسائل دیگر، داشته است. ماجرابی که برای شهرستان لوانسان و امام جمعه‌ی عدالت‌خواه آن افتاد و سپس شعارها و پیگیری‌های مردمی نسبت به ادامه‌ی فعالیت این امام جمعه‌ی دغدغه‌مند، حاکی از آن است که مردم جامعه نیز دغدغه‌مند هستند و ضرورت نماز جمعه و گفتاری که از دهان امام جاری می‌گردد را درک کرده‌اند.

... ادامه

اسرخط یک | ریحانه یافتیان



اکنون پس از مدت‌ها تعطیلی نماز جمعه در کشور به دلیل شیوع ویروس همه‌گیر کرونا، شاهد برگزاری مجدد این فریضه‌ی متعالی هستیم و نماز جمعه‌ی تهران پس از مدتی مدید از سر گرفته شده است. نکته‌ی قابل ذکر این است که متأسفانه اخیراً شاهد بوده‌ایم که حجت‌الاسلام حاج علی اکبری، از ائمه‌ی جمعه‌ی بسیار محبوب که علمی والا، گفتاری شیوا و جایگاهی محبوب میان مردم دارند، از این ماهیت و وظیفه‌ی اصلی دور گشته و فراموش کرده‌اند که بیان دغدغه و مشکلات مردم و مسائل روز که کشور به آن‌ها دچار است، از اصول اولیه‌ی نماز جمعه بوده و بی‌توجهی به این رسالت، قابل قبول نمی‌باشد. بیان مسائل دینی و فقهی لازم و از بخش‌های اصلی برگزاری نماز جمعه می‌باشد؛ اما تمرکز بر آن و بی‌توجهی یا کم‌توجهی بر بیان مسائل سیاسی و چالش‌های داخلی و خارجی که کشور و مردم با آن‌ها مواجه هستند، خالی از اشکال نمی‌باشد. ضمناً همانطور که پیشتر اشاره شد، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های موجود، کم‌رنگ شدن علاقه و یا احساس نیاز مردم نسبت به شرکت در فعالیت‌های دسته‌جمعی همچون نماز جمعه می‌باشد، که موقعیتی بسیار حساس و مهم برای اتحاد و همبستگی مردم و همچنین بالا رفتن آگاهی آن‌ها می‌باشد. ضمن تأکیدات رهبری و پیگیری‌ها و تذکرات مردمی در طی زمان، انتظار می‌رود این گونه مشکلات به مرور زمان و با همت مسئولین و خود ائمه‌ی جمعه، پیگیری و حل گردند. نماز جمعه از مهم‌ترین پایگاه‌های سیاسی در کشور و بین تمام مسلمین جهان است که غفلت از آن می‌تواند خسارات چشمگیری را در آینده به دنبال داشته باشد.

وَلَا تَفَرُّوا

در خصوص وحدت حقیقت آن است که نظر به اینکه تمام مذاهب مختلف اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی پذیرفته شده و حقوق‌شان به رسمیت شناخته شده است، می‌بایست مردم این وحدت را در تمام شئون زندگی سیاسی و اجتماعی در کشور، خصوصاً میان مسئولین باشند. اهل سنت در حدود ده درصد از مردم ایران را تشکیل می‌دهند و باتوجه به حقوق قانونی مذاهب شناخته شده در ایران، انتظار می‌رود سهم اهل سنت از اداره‌ی سیاسی کشور بسیار بیشتر از وضعیت فعلی باشد. انتصاب آقای کریمی بعنوان مشاور رییس‌جمهور در امور اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی، اگرچه می‌تواند اقدام مثبتی در جهت بهبود وضعیت گروه‌های مختلف مردم باشد اما شبیه صرف انتصاب خانم‌ها به سمت معاونت امور زنان و خانواده، تقسیم سهم از پست‌ها میان اقشار و گروه‌های مختلف است و بیش از آن که نشان از شایسته‌سالاری و اعطای فرصت برابر به گروه‌های مختلف از ملت را داشته باشد، شبیه نوعی ادای دین است. آنچه که در این میان باید در دستور کار قرار داده شود، مسئله وحدت میان دو مذهب به صورت اجرایی در دولت است. چرا که غفلت از این مورد جای نگرانی داشته و موجب بروز نگاه منفعت‌طلبانه امپریالیسم و استکبار جهانی خواهد شد تا با استفاده از همین موضوع، بار دیگر بر بدنه اسلام ضربه خود را وارد کند.

با وجود تأکید علمای مسلمان در ایران و جهان اسلام در طول این سال‌ها، هنوز وحدت حقیقی میان تمامی مذاهب و فرق اسلامی محقق نشده است. در جامعه‌ی ما هنوز خط‌کشی‌های پررنگ و شیعه یا سنی بودن در تعیین هویت دینی افراد بر مسلمان بودن ایشان مقدم است. در لزوم به رسمیت شناختن تفاوت‌ها و تمایزها و ثابت‌قدم بودن در عقاید شکی نیست اما برخورد‌های توهین‌آمیز به مقدسات دیگر مسلمانان، بذر کینه و نفرت را در جامعه کاشته و مرزبندی طبیعی موجود میان عقاید مخالف را بدل به یک شکاف عمیق می‌کند. شکافی که در بیشتر کشورهای منطقه مثل عراق و سوریه، هزینه‌ی گزافی روی دست مسلمین گذاشته است.

یک نکته‌ی بسیار دقیق دیگر را هم در این خصوص رهبر انقلاب در سخنرانی روز هفدهم ربیع یادآوری کردند و آن اینکه وحدت یک امر تاکتیکی و موقتی نیست بلکه یک امر اصولی است، یک دستور فراگیر است: اگر مسلمان‌ها متحد باشند، هم‌افزایی می‌کنند و همه قوی می‌شوند؛ وقتی که این هم‌افزایی وجود داشته باشد، حتی آنهایی که مایلند — و مانعی هم نیست — که تعامل با غیر مسلمان‌ها داشته باشند، با دست پُر وارد این تعامل می‌شوند. بنابراین این هم نکته‌ی بعد که این یک امر اصولی است، و امر تاکتیکی نیست. در جامعه‌ی متحده تنها هم‌افزایی میان مسلمین حتی هم‌افزایی و تعامل با غیرمسلمانان، به‌خوبی صورت می‌پذیرد.

کدام حماسه؟



امروزه رسانه در جوامع مختلف اهمیت بسیاری دارد. انسان امروزی با انبوهی از پیام‌ها مواجه است که هر کدام از این پیام‌ها منافعی برای صاحب پیام دارند. رسانه ابزاری است که فرآیند شکل‌دهی بر دیدگاه‌ها را تولید می‌کند (جهت‌دهی به دیدگاه‌های جامعه)، همچنین فرآیندی است برای به‌کارگیری نمادها جهت انتقال حقایق به مخاطب و اقناع غیر مستقیم مخاطب و جهت‌دهی به افکار او را نیز بر عهده دارد. در فهرست کارکرد رسانه موارد زیادی را می‌توان نام برد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: آگاهی‌بخشی، هدایت و رهبری، آموزش و سرگرمی. علاوه بر موارد ذکر شده فوق می‌توان به کارکرد سبک زندگی و تربیت نیز اشاره کرد.

با این حجم از اهمیت رسانه، نباید از رسانه‌ای ملی غافل ماند، رسانه‌ای که باید با هر طیف و قوم و سلیقه‌ای ارتباط برقرار کند، راه ارتباطی دولت و مردم باشد و فهرست بلند بالایی از این وظایف... عبدالعلی علی‌عسگری در سال ۱۳۹۵ به سمت ریاست سازمان صدا و سیما از طرف رهبری منصوب شد و حالا پس از ۵ سال که موعد ترک این مسئولیت است، از دوران مدیریت او گزارشی ۶۰۰ صفحه‌ای در دست است. گزارشی که باید زودتر از این‌ها می‌آمد تا بلکه بتوان ضعف‌ها را سامان داد و کم و کیف کارها را ارتقا بخشید. به هر روی حالا با یک گزارش ۵ ساله مواجه هستیم که از قضا پر از اغراق و مهم‌لبافی است. از بازپخش آثار دوره‌های قبل گرفته تا منادی

ارزش و اهمیت پاسداشت زبان فارسی بودن! از این قسم کارهای انجام نشده و در زمره‌ی دستاورد قرار گرفته و مزیت‌پنداری پروژه‌های شکست خورده در این گزارش فراوان به چشم می‌خورد. اما بنا به اینکه مجال پرداختن به تمام ایرادات این گزارش سفیدنمایی شده در این مقال نمی‌گنجد، سعی دارم مسائل مهم تری را یادآور شوم. وظایف کلیدی ریاست آن ساختمان تمام شیشه‌ای که اهمال کاری در آن صورت گرفته شاید شمردنی نباشد. شاید بتوان گفت ول انگاری در فضای مجازی که بارها و بارها در صحبت‌های رهبری به گوش می‌خورد منشأ گرفته از بی‌برنامگی در رسانه‌ی ملی کشور است که اکثر جامعه روی آوردند به فضای مجازی کنترل نشده! یا حتی برای مثال در ماحرای فتنه‌ی ۸۸ یا ماحرای بنزین و ابان ۹۸ هنوز دنیایی از حرف‌های گفته نشده وجود دارد. حرف‌هایی که شاید بتوان گفت به دلیل ضعف در شفافیت ماجرا و خبرها بر زبان نیامد و این‌ها دلیلی شد برای بی‌اعتمادی جامعه که به جای شبکه‌ی خبر، پیگیر احوالاتمان از زبان منوتوی خارجی یا بی‌بی‌سی شوند. که این یعنی باید حلوای افکار عمومی را خورد. از این مثال‌ها و انتقادات به تفصیل می‌توان سخن گفت؛ ایراداتی که اگر قرار باشد همه را به قلم بیاوریم، بشود یک کتاب ۶۰۰ صفحه‌ای! حالا نمیدانم دلیل این کارنامه سازی که با عنوان گزارش عملکرد یا حماسه‌ی رسانه‌ی ملی علی‌عسگری خوانده می‌شود شانه خالی کردن از پاسخگویی است یا خیر؛ الله اعلم! اما این موضوع بر کسی پوشیده نیست که با اینچنین گزارش نویسی‌های بی‌فایده و اغراق شده کمکی به ارتقا و پیشرفت رسانه‌ی ملی نمی‌توان کرد. در باب اهمیت رسانه‌ها همین بس که نه تنها منابع قدرت محسوب می‌شوند، بلکه در شرایط کنونی دنیا رسانه‌ها بازیگران سیاسی قدرتمندی‌اند که دلیلی است واضح تا نگذاریم رسانه‌ی ملی مغفول بماند. حالا تنها فایده‌ای که این گزارش دیر هنگام و سفید نمایی شده دارد، شاید عبرت گرفتن ریاست جدید باشد که امیدواریم جهت ارتقا و پیشرفت رسانه‌ی ملی از همین ابتدا روحیه‌ی پاسخگویی داشته باشند و بتوانند این کشتی سرگشته در تلاطم‌های دریا را به سمت مطلوب هدایت کنند.

انتصاب، راه‌حلی برای ترمیم اعتماد



در سال‌های اخیر عوامل متعددی باعث بروز جو بی‌اعتمادی به دولت در میان توده مردم شده است و بار سنگین بازگرداندن و جلب اعتماد مردم نیز به وظایف خطیر دولت سیزدهم افزوده شده. در شرایط کنکونی از مسئولین انتظار می‌رود اعتماد عمومی را در سایه‌ی انتصابات عالمانه و مدبرانه و بر سر کار آوردن مدیران توانمند در کنار عملکرد صادقانه به ثمر برسانند

چرا که انتصاب بجا موجب حفظ آرامش جامعه می‌شود و اساس قوام پایه‌ی های یک دولت بر اعتماد و حمایت مردمی می‌باشد. اما اخیراً گاه در انتصابات دولتی شاهد مواردی هستیم که در تحقق جلب سرمایه‌ی اعتماد ملی و بهبود شرایط فعلی خلل جدی ایجاد می‌کند، مسلم است که بسیاری از نارضایتی‌های مردمی ریشه در انتصاب غلط دارند، هنگامی که ما نارضایتی‌های مردم را بوسیله‌ی مهندسی معکوس بررسی می‌کنیم در نهایت به نصب‌های اشتباه دولتی می‌رسیم و با توجه به جایگاه‌های خطیر مدنظر انتخاب مسئولین و مدیران برای جایگاهی که مناسب آن نیستند، باعث بروز مشکلات قابل توجه در روند امور کشور می‌شود، چرا که قهراً بدون وجود منتصبین مناسب رسیدن به اهداف کلان بسیار سخت خواهد شد، به علاوه اینکه در اثر انتصابات نابجا زمان از دست خواهد رفت و این صدمه‌ای غیر قابل جبران برای کشور است. پر واضح است که ریشه‌ی بسیاری از فساد‌های شکل گرفته در دستگاه‌های دولتی ناشی از انتصابات غلط است و همچنین گاه برخی از انتصاب‌های نادرست مشکلی حل نمی‌کند که هیچ، خود عامل بروز مشکلات و خسارات سنگین خواهد بود. با توجه به موارد گفته شده انتظار ما دانشجویان از دستگاه دولتی کشور انتخاب مسئولانی در خور جایگاهشان بود، اما متأسفانه در مواردی شاهد انتخاب‌های پر ابهام هستیم. در تاریخ ۱۷ مرداد سال جاری جناب آقای محمد مخبر فعالیت خود را در دولت سیزدهم تحت عنوان معاون اول ریاست جمهوری آغاز کردند و تاکنون پاسخ‌درخوری به سوالات مربوط به عملکرد ایشان در ستاد اجرایی فرمان امام داده نشده و این مسئله باعث ضربه به اعتماد مردمی خواهد شد. زمانی که مردم با قول‌های ایشان در ستاد اجرایی فرمان امام مبنی بر انتشار کامل اسناد علمی و مقالات مربوط به واکسن کووید ایران برکت و تحویل ۵۰ دوز از واکسن مذکور تا پایان شهریور ماه و... ادعاهای دیگر و عدم تحقق آنها مواجه می‌شوند چگونه می‌توانند نسبت به اقوال ایشان در راستای فعالیت‌های آینده و همچنین عملکرد

ایشان در ادامه‌ی مسئولیت خود نگرش منفی نداشته باشند؟ به علاوه آقای مخبر مسئولیت هم‌زمان دو سمت بسیار مهم را دارا هستند و این برای بسیاری محل سوال است و مردم مستحق شنیدن توضیحات قانع‌کننده‌ای در رابطه با موارد گفته شده هستند آیا مردم نباید نسبت به انتصاب آقای حسین مدرس خیابانی به عنوان استاندار یکی از محروم‌ترین

استان‌های کشور یعنی سیستان و بلوچستان بی‌اعتماد و خواهان پاسخ باشند؟ در صورتی که در زمان سرپرستی ایشان بر وزارت صمت و پس از آن در سمت نمایندگی تام‌الاختیار وزیر صمت در امور بازرگانی شاهد افزایش چند صد درصدی قیمت مواد غذایی بوده‌اند و بنابر اخبار منتشر شده در خبرگزاری‌های رسمی کشور حقوق ایشان به عنوان مدیر عامل شرکت گروه مدیریت سرمایه‌گذاری امید (وابسته به بانک سپه)، در یک ماه بالغ بر ۷۰ میلیون تومان بوده است، و این در حالیست که بر طبق قانون بودجه‌ی سال ۱۴۰۰، مجموع دریافتی گروه‌های مختلف دولتی نباید از ۱۵ برابر کف حقوق‌های پرداختی بیشتر باشد. مردم ایران با چه استدلالی می‌توانند خود را نسبت به انتصاب آقایان علی‌داری به عنوان قائم‌مقام وزیر و معاون میراث فرهنگی و سجاد نوروزیان به عنوان مدیر موزه فرش ایران با آن اشکالات و ابهامات برجسته قانع کنند؟ متأسفانه اینها علاوه بر ضرباتی احتمالی موجب کم‌رنگ شدن زحمات دولت در چشم و ذهن و قلب ملت خواهد شد. موارد فوق تا حد کافی نگران‌کننده هستند و در این شرایط دولت مستقر به مدت حدود دو ماه بدون وجود یکی از مهم‌ترین منصب‌ها یعنی وزیر آموزش و پرورش به فعالیت خود ادامه داده و این موضوع موجبات ایجاد خلل در روند کار اجرایی را فراهم می‌آورد. البته مقصود ما انتصاب عجولانه و بی‌تدبیر نیست، لیکن این مدت خالی ماندن این سمت دور از انتظار مردم است. در هر صورت بنابر قول آقای قرقچک - معاون رییس‌جمهور در همایش فعالان فرهنگی و اجتماعیان شاء الله کمتر از یک هفته‌ی آینده در انتظار معرفی وزیر شایسته پس از این مدت طولانی هستیم. ضمن عرض خسته نباشید خدمت مسئولین محترم از آقایان مسئول* مربوطه تقاضا داریم در رابطه با موارد فوق تجدید نظر جدی داشته باشند و یا * پاسخگوی سوالات ایجاد شده باشند.